

# بانکداری اسلامی: تهدیدها و فرصت‌ها

صنعت بانکداری  
اسلامی در بسیاری از  
کشورها از ناهمگونی  
و عدم شفافیت در  
فعالیت‌ها و عملکردها  
رنج می‌برد و همین  
مسئله موجب شده  
است که مواردی از  
سقوط و ورشکستگی  
ناشی از نابسامانی  
در اقتصاد جهانی  
در مورد بانک‌های  
اسلامی هم مشاهده  
شود.

وجود اصولی چون ممنوعیت دریافت و پرداخت بهره (ربا) و مشارکت در سود و زیان حاصل از سرمایه‌گذاری (PLS) موجب شده است تا هم بانکداری اسلامی به یک مدل ویژه و منحصر به فرد بانکی در دنیای امروز بدل شود و هم گامی اساسی در جهت شکل‌گیری و تقویت آرمان‌هایی چون "اقتصاد واقعی" و "بانکداری اخلاق‌گرایانه" برداشته شود. بانکداری اسلامی با تمرکز بر روی سرمایه‌گذاری‌ها و فعالیت‌های مولد و حقیقی اقتصادی می‌تواند به بسط و گسترش فیزیکی بخش‌های تولیدی و خدماتی کمک کند. بانک‌های اسلامی قادرند با تطبیق دادن محصولات و خدمات بانکی سنتی و کلاسیک با اصول شریعت اسلام، سرمایه‌گذاری‌های اخلاق‌گرایانه و سالمی را صورت دهند، به نحوی که هم به نفع بانک‌ها و مشتریان آنها باشد و هم به سود جامعه و اقتصاد.

به دلیل وجود همین مزایا و مطلوبیت‌هاست که در حال حاضر، صنعت بانکداری اسلامی در ۵۳ کشور جهان - اعم از کشورهای اسلامی و غیراسلامی - به طور رسمی وجود دارد و در ۷۰ کشور دیگر نیز برخی از خدمات بانکی و سرمایه‌گذاری اسلامی به مشتریان بانک‌ها و مؤسسات مالی عرضه می‌گردد. ارزش دارایی‌های بانک‌های اسلامی در سرتاسر جهان از مرز یک تریلیون دلار در سال ۲۰۱۰ گذشت و این صنعت پررونق با نرخ رشد سالانه حدود ۱۵ درصد در سال‌های اخیر به جلو حرکت کرده است. در دهه گذشته، صنعت بانکداری و مالی اسلامی چپش خیره‌کننده‌ای داشته و میزان دارایی‌های بانکی اسلامی جهان هر دو سال یک بار، دو برابر شده است. با آغاز بحران مالی جهان در سال ۲۰۰۷، بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی با نخستین آزمون سخت و مهلک در طول عمر تقریباً کوتاه خود روبرو شدند. بحران مالی اخیر از دو جهت بر اقتصاد جهانی و نظام‌های بانکی و مالی تأثیر گذاشت: از یک سو، بخش‌های مالی و اعتباری کشورهای را مورد حمله و تهدید جدی قرار داد و از سویی دیگر، پیامدهای نامطلوبی برای اقتصادهای ملی و منطقه‌ای داشت. با فروکش کردن امواج اولیه و اصلی بحران مالی اخیر، مشخص شد که بخش عمده‌ای از بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی در کشورهای گوناگون، از تبعات منفی بحران جان سالم به در برده‌اند و توانسته‌اند علاوه بر تثبیت وضعیت مطلوب پیشین، در برخی موارد، به سودآوری و رشد خیره‌کننده‌ای نیز دست یابند، به نحوی که



در چهل سال اخیر، جهان شاهد شکل‌گیری و شکوفایی صنعت بانکداری و مالی اسلامی، چه در کشورهای اسلامی و چه در کشورهای غیراسلامی بوده است. با وقوع بحران مالی اخیر در جهان و سربلند بیرون آمدن بانک‌های اسلامی از این آزمون سخت و مهلک، نگرش جهانیان نسبت به بانکداری و مالی اسلامی دگرگون شده است. کارشناسان و صاحب‌نظران دنیای بانکداری اکنون دریافته‌اند که بانک‌های اسلامی به واسطه پیروی کردن از یک سری اصول و معیارها، توانسته‌اند بر پاره‌ای از مشکلات و نقاط مبهم که از دیرباز در صنعت بانکداری جهان وجود داشته است، فایق آیند و محیط اقتصادی و مالی با ثبات و مستحکمی را پدید آورند.

با این همه، بانکداری اسلامی نیز مانند هر الگوی بانکداری دیگری عاری از ابهام و اشکال نیست و می‌بایستی در راستای برطرف ساختن ضعف‌های بالقوه آن تلاش کرد. با متمرکز شدن بر روی ویژگی‌ها، پتانسیل، فرصت‌ها و نقاط ضعف موجود در صنعت بانکداری اسلامی، می‌توان نهایت استفاده را از فرصت‌های پر شمار موجود در این عرصه برد و از میزان ریسک‌ها و مخاطرات رایج در دنیای پول و سرمایه‌گذاری کاست.



**گزارش جدید  
صندوق بین‌المللی  
پول حاکی از آن  
است که بانکداری  
اسلامی در سال‌های  
۲۰۰۷ و ۲۰۰۸  
عملکرد و سلامت  
به مراتب بهتری  
از سیستم‌های  
بانکداری سنتی  
داشته است.**

الگوهای بانکی سنتی نهفته است. به طور کلی، بانکداری اسلامی دارای ساختاری "دارایی محور" و مبتنی بر دارایی‌ها و سرمایه‌های واقعی است، در حالی که بانکداری غیراسلامی مبتنی بر ریسک و اعتبار است. از سویی دیگر، در بانکداری اسلامی، ریسک‌ها و مخاطرات بانکی بین بانک و مشتری تسهیم می‌شود و هر دو طرف هم در سود و هم در زیان ناشی از سرمایه‌گذاری سهیم و شریک می‌شوند، حال آنکه در الگوهای غیراسلامی، ریسک منتقل می‌شود.

روی‌هم رفته، ویژگی‌های اخلاق‌گرایانه و جامعه محور بانکداری و مالیه اسلامی موجب شده است که فعالیت‌های اعتباری و سرمایه‌گذاری‌های بانک‌های اسلامی در راستای تقویت بخش‌های واقعی و سالم اقتصاد شکل بگیرد و از گسترش و حجیم‌شدن اقتصاد زیرزمینی جلوگیری به عمل آید. بدیهی است که با بیشتر شدن فعالیت‌های سالم اقتصادی و مالی توسط بانک‌های اسلامی، از احتمال شکل‌گیری و بزرگ‌شدن حباب‌ها کاسته می‌شود و اقتصادی با ثبات‌تر و سالم‌تر به وجود می‌آید.

با این همه، بحران مالی اخیر به دلیل تأثیرگذاری

برخی از بانک‌های اسلامی در منطقه آسیای جنوب شرقی و خلیج فارس در سال‌های ۲۰۰۸ و ۲۰۰۹، نرخ‌های رشد ۳۰ و ۴۰ درصدی را به ثبت رسانده‌اند.

گزارش جدید صندوق بین‌المللی پول هم حاکی از آن است که بانکداری اسلامی در سال‌های ۲۰۰۷ و ۲۰۰۸ عملکرد و سلامت به مراتب بیشتری در مقایسه با سیستم‌های بانکداری سنتی داشته و توانسته است از خلأ به وجود آمده در اثر سقوط و ضعف بسیاری از بانک‌های بزرگ غربی، به نحو احسن استفاده کند. براساس این گزارش، رشد اعتباری و سوددهی بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی در سال‌های ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ نیز افزایش قابل ملاحظه‌ای داشته و بسیار بالاتر از بانک‌های سنتی بوده است.

عملکرد مطلوب بانک‌های اسلامی و سربلند بیرون آمدن آنها از آزمون دشوار بحران مالی جهانی باعث شد تا اقتصادها و نظام‌های مالی میزبان آنها نیز از بحران مالی کمتر آسیب ببینند و موارد کمتری از ورشکستگی شرکت‌ها و بانک‌ها و بیکار شدن کارگران را تجربه کنند. به عقیده بسیاری از کارشناسان، علت مصون ماندن بانک‌های اسلامی از پیامدهای منفی بحران، در وجود تفاوت‌های ماهوی بین الگوی بانکداری اسلامی و

منفی بر پاره‌ای از فعالیت‌های سالم و حقیقی اقتصادی، برخی از بانک‌های اسلامی را نیز از پیامدهای منفی‌اش بی‌نصیب نگذاشت که به عقیده کارشناسان، عامل اصلی آسیب دیدن برخی از بانک‌های اسلامی در این زمینه، وجود ضعف‌های بنیادین در سیستم‌های مدیریت ریسک، به ویژه ریسک‌های نقدینگی و ریسک‌های اعتباری آنها بوده است. فقدان استانداردها و مقررات جامع و بین‌المللی در حوزه خدمات رسانی مالی و بانکی اسلامی، باعث آسیب‌پذیری نسبی آنها در قبال بحران‌های مالی می‌شود و همین مسأله، آسیب‌های جدی و هشدار دهنده‌ای را متوجه بانک‌های اسلامی نموده است. علاوه بر این، صنعت بانکداری اسلامی در بسیاری از کشورها از ناهمگونی و عدم شفافیت در فعالیت‌ها و عملکردها رنج می‌برد و همین مسأله موجب شده است که مواردی از سقوط و ورشکستگی ناشی از نابسامانی در اقتصاد جهانی در مورد بانک‌های اسلامی مشاهده شود.

به هر حال، بانک‌های اسلامی عمدتاً در فعالیت‌های اقتصادی محدود و محلی مشارکت می‌کنند و همین مسأله



**علت مصون ماندن  
بانک‌های اسلامی  
از پیامدهای منفی  
بحران مالی اخیر،  
در وجود تفاوت‌های  
ماهوی بین الگوی  
بانکداری اسلامی و  
الگوهای بانکی سنتی  
نهفته است.**

موجب می‌شود که فرایندهای مالی و اقتصادی بین‌المللی و منطقه‌ای، تأثیر کمتری بر آنها بگذارند. با این حال، دست‌اندرکاران و سیاستگذاران صنعت بانکداری اسلامی به روشنی می‌دانند که می‌بایستی بانک‌های اسلامی را به سمت جهانی شدن سوق دهند، چرا که برای ایفای نقش پررنگ‌تر و تأثیرگذار در دنیای پول و سرمایه، راهی جز بزرگ‌تر شدن و ورود به عرصه‌های پرخطر و در عین حال، پرسود وجود ندارد. عرضه محصولات و خدمات مالی و اعتباری استاندارد و متنوع و بهبود اصول و روش‌های مدیریت ریسک و نظارت بر عملکردها، موجب خواهد شد تا بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی از پوسته و چارچوب‌های محدود کنونی خود خارج شوند و موفقیت‌های کوچک، اما تحسین برانگیزی را که در سطح ملی و محلی به دست آورده‌اند، این بار در سطح بین‌المللی تکرار کنند. بانک‌های اسلامی هم‌چنین می‌بایستی منابع درآمدی خود را تنوع بخشند و در حیطه‌هایی چون ارایه مشاوره سرمایه‌گذاری، مدیریت دارایی و مالیه خرد، فعالیت و حضور مقتدرانه‌تری داشته باشند و در عین حال، مهم‌ترین عاملی که موجب موفقیت و متمایز شدن بانکداری اسلامی از سایر الگوهای بانکی شده است، یعنی منطبق بودن با اصول شریعت اسلام و اخلاقیات را به طور کامل و همه‌جانبه رعایت کنند.

منبع:

Banking Times